

## Original Article

### Double Standards of the Security Council Regarding the Iraq War against Iran and Kuwait

Mehdi Kordbacheh Hosseinabad<sup>1</sup>, Aboumohammad Asgarkhani<sup>2\*</sup>, Maryam Moradi<sup>3</sup>, Seyyed Bagher Mir Abbasi<sup>4</sup>

1. PhD Student in International Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. (Corresponding author) Email: asgarkh@ut.ac.ir

3. Assistant Professor of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

3. Professor of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

Received: 11 Aug 2018 Accepted: 6 Jun 2020

#### Abstract

**Background and Aim:** The United Nations Security Council, as the Institution for Maintaining Global Peace and Security, Has an Important Role in International Conflicts and Disputes. Wars are Also One of the Cases in Which the Role of the Security Council is Prominent. Specifically, the Security Council has Expressed Various Positions and Approaches to the Iraq Wars Against Iran and Kuwait, and the Present Research Examines This Issue.

**Materials and Methods:** The method used in the present research is descriptive-analytical that the data analysis has been done by reasoning method.

**Findings:** The Security Council, Considered as an Institution Responsible for International Peace and Security, Has Taken a Conflicting and Dual Approach Regarding Iraq's Aggression Against Iran and Kuwait. So That at the Beginning of the War, During the War and Also Its End, a Duality is Evident in the Decisions of This Institution. The Lack of Explicitness in Issuing Resolutions Against the Adversary (Iraq) Against Iran and, of Course, Receiving Compensation From Iraq and Granting Them to Kuwait are Considered as Important Parts of This Duality.

**Conclusion:** The Dependence of the Security Council Institution on Global and Western Powers, Lack of Independence in Voting, Disregarding the Rights of Developing and Independent Countries, Having Veto Right, and the Use of the Votes of the Five Main Powers to the Detriment of Independent and Free Countries are the Most Important Criticisms Proposed Against the Security Council That Can be Raised, Which Their Evident Manifestation have Been Reflected in the Iraq War Against Iran and Kuwait in the Stages of Issuing a Resolution, Managing the War and Receiving Compensation From the Aggressor. It Seems that Receiving Compensation From Iraq and Punishing Other Warring Aggressors in the Middle East Can Recreate Credibility for This Institution.

**Keywords:** War; Security Council; Iraq; Iran; Kuwait

**Please cite this article as:** Kordbacheh Hosseinabad M, Asgarkhani A M, Moradi M, Mir Abbasi S B. Double Standards of the Security Council Regarding the Iraq War against Iran and Kuwait. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2018; 51-61.*

## استانداردهای دوگانه‌ی شورای امنیت در قبال جنگ عراق علیه ایران و کویت

مهدی کردبچه حسین‌آباد<sup>۱</sup>، ابومحمد عسگرخانی<sup>۲\*</sup>، مریم مرادی<sup>۳</sup>، سیدباقر میرعباسی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: asgarkh@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۴. استاد گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۷

### چکیده

**زمینه و هدف:** شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان نهاد حافظ صلح و امنیت جهانی نقش مهمی در مخاصمات و نزاع‌های بین‌المللی دارد. جنگ‌ها نیز یکی از مواردی است که نقش شورای امنیت در آنان برجسته است. به‌طور مشخص، شورای امنیت، مواضع و رویکردهای مختلفی در قبال جنگ‌های عراق علیه ایران و کویت ابراز داشته که پژوهش حاضر به بررسی این مسأله می‌پردازد.

**مواد و روش‌ها:** روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به شیوه استدلالی انجام شده است.

**یافته‌ها:** شورای امنیت به عنوان نهادی که متولی صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود، رویکرد متعارض و دوگانه‌ای در قبال تجاوز عراق علیه ایران و کویت اتخاذ نموده است. به طوری که هم در مرحله آغاز جنگ، حین جنگ و پایان آن، دوگانگی در تصمیمات این نهاد موج می‌زند. عدم صراحت در صدور قطعنامه‌ها علیه متخاصم (عراق) علیه ایران و البته دریافت خسارت از عراق و اعطای آنان به کویت به عنوان بخش‌های مهمی از این دوگانگی محسوب می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** وابستگی نهاد شورای امنیت به قدرتهای جهانی و غربی، عدم استقلال در رأی، نادیده گرفتن حقوق کشورهای در حال توسعه و مستقل، داشتن حق وتو و بکارگیری آراء پنج قدرت اصلی به ضرر کشورهای مستقل و آزاد به عنوان مهم‌ترین انتقادات مطرح شده علیه شورای امنیت قابل طرح است که نمود بارز آن در جنگ عراق علیه ایران و کویت در مراحل صدور قطعنامه، مدیریت جنگ و دریافت خسارت از تجاوزگر نمود یافته است. به نظر می‌رسد دریافت خسارت از عراق و تنبیه سایر متجاوزان جنگی در خاورمیانه بتواند اعتباری دوباره برای این نهاد به وجود آورد.

**واژگان کلیدی:** جنگ؛ شورای امنیت؛ عراق؛ ایران؛ کویت

## مقدمه

در جهانی که توسل به جنگ جهت تحصیل مطامع سیاسی به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به تمایلات درونی بر مبنای خودخواهی، زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی دولت‌ها علیه یکدیگر به طور معمول رواج دارد و کشورها در یک مسابقه دائم تسلیحاتی قرار دارند چه آنها که خود تولیدکننده سلاح‌های عرفی و پیشرفته هستند (کشورهای غربی) و چه آن کشورهای که مقادیر زیادی از سرمایه و ثروت کشور خود را جهت خرید انواع جنگ افزارهای مختلف هزینه می‌کنند (مانند کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس)، نیازمند به‌کارگیری رویه‌های حقوقی در سطح جهان است تا بتواند از بروز تخاصمات بیشتر و اتلاف هزینه‌های مالی و مادی جلوگیری نماید. در همین راستا، نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار دارند که هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ اجرایی توانایی دخالت در حل و فصل تعارضات و اختلافات بین‌المللی را بر عهده دارند.

شورای امنیت رکن اصلی ملل متحد است که وظیفه اصلی آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. در فضای روابط بین‌المللی رفتارها و وقایع مختلفی وجود دارد که می‌توان به عنوان مصداقی برای تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نمود. مخاصمات مسلحانه بین‌المللی به عنوان بارزترین مصداق تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود، اما استانداردهای شورای امنیت در مواجهه با مخاصمات مسلحانه بین‌المللی حسب مورد، تحت تأثیر فضای سیاست و روابط بین‌المللی متنوع و متفاوت است. در ادبیات نویسندگان حقوق و روابط بین‌المللی عموماً استانداردهای شورای امنیت به صورت کلی و در قالب چهارچوب و مواد منشور ملل متحد کتب و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. از جمله مهم‌ترین این آثار می‌توانیم به مقاله مارکو روسکینی تحت عنوان «شورای امنیت ملل متحد و اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی» که در سال ۲۰۱۰ میلادی منتشر شده است، اشاره کنیم. در این مقاله، اجرای حقوق بشردوستانه بین‌المللی به ویژه حقوق بنیادین بشردوستانه به عنوان یکی از استانداردهای مهم در تعیین رویه و واکنش

شورای امنیت تلقی شده است. همچنین در همین راستا می‌توانیم به کتاب هاورد هنسل تحت عنوان «حقوق مخاصمات مسلحانه: محدودیت‌های معاصر در توسل به زور» نیز اشاره کنیم. این کتاب که مجموعه مقالاتی از نویسندگان حقوق و روابط بین‌المللی می‌باشد، به صورت پراکنده و با تأکید بر نظم منشور ملل متحد، برخی استانداردهای شورای امنیت از جمله نقض سیستماتیک حقوق بنیادین بشر و بشردوستانه، اعمال گروه‌های تروریستی و ... در مواجهه با برخی مخاصمات و بحران‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

در پژوهش حاضر، رویکرد نویسندگان توجه به استانداردهای حقوقی محض و چالش‌های اعمال آنها نمی‌باشد؛ در واقع آنچه که در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت، رویکردی انحصاری به رویه شورای امنیت در مواجهه با دو مخاصمه خاص بین‌المللی یعنی جنگ عراق - ایران و جنگ عراق - کویت خواهد بود. به تعبیری استانداردهای شورای امنیت در قالب‌های کلی و قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه مختلف، منظور نظر نویسندگان نخواهد بود. در این میان، مسؤلیت بین‌المللی یکی از اصول اساسی حقوق بین‌المللی است که در اثر ماهیت سیستم حقوقی بین‌المللی و دکترین حاکمیت و ثبات کشورها رشد کرده است. طبق این سیستم هرگاه یک تابع حقوق بین‌الملل یک عمل متخلفانه و یا غیرقانونی بین‌المللی علیه تابع دیگر حقوق بین‌الملل مرتکب شود مسؤلیت بین‌المللی بین آن دو برقرار می‌شود و در صورتی که یک تعهد بین‌المللی نقض شود باید غرامت پرداخت شده و جبران خسارت شود. بنابراین در زمره وظایف و اختیارات شورای امنیت است که به‌کارگیری اصل بی‌طرفی، صلح و امنیت را برقرار سازد. بنابراین دوری‌گزینی از سیاسی‌کاری در تصمیمات، قضاوت بر مبنای عدالت و استقلال و همچنین شفافیت در صدور آراء از جمله مهم‌ترین راهکارهایی است که شورای امنیت می‌تواند براساس آن نسبت به رفع مخاصمات بین‌المللی اقدام نماید. جنگ‌هایی که عراق به رهبری صدام علیه ایران و کویت راه انداخته است، یکی از مؤلفه‌هایی است که براساس آن می‌توان نسبت به عملکرد

طریقی مسالمت‌آمیز حل نموده و حکمی را که براساس این توافق صادر می‌شد، اجرا نمایند (۱). ضعف برخی توافقات و تعهدات این بود که می‌توانست تحت تأثیر عملکرد ناعادلانه نهادهای مزبور از جمله شورای امنیت، باعث نپذیرفتن قطعنامه‌ها و یا احکام صادره از سوی چنین نهادهای شود. با این وجود، رسیدگی به نزاع‌ها و خصومت‌های بین‌المللی از جمله جنگ در زمره دشوارترین وظایف چنین نهادی به شمار می‌رود.

استدلال این است که شکل و ساختار این نهاد و گنجانده شدن حق وتو برای قدرت‌های پنجگانه در دل این نهاد، رویکرد عدالت‌محوری و مقابله با تجاوزات را از آن می‌ستانند. در همین راستا نیز برخی بر این عقیده هستند که ظرفیت سازمان ملل برای بدل شدن به شکلی از حکومت جهانی، در اثر این واقعیت که سازمانی آفریده‌ی اعضای خود است، محدود می‌شود: این سازمان نمی‌تواند کاری ورای خواست دولت‌های عضو خود، و به ویژه اعضای دائم شورای امنیت انجام دهد. بنابراین، نقش آن به ایجاد سازوکارهایی برای آسان‌سازی حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی محدود شده است (۲). بنابراین انتقادات وارده بر نهادهایی همچون شورای امنیت هم می‌تواند ناشی از عدم مقبولیت و پذیرش جهانی آنان از سوی دولت‌های مختلف باشد و هم اینکه رفتارهای دوگانه آنان در حل و فصل مخاصمات بین‌المللی و منطقه‌ای بر نگرش دولت‌های مختلف نسبت به آنان اثرگذار باشد.

در برخی موارد به سازمان‌های بین‌المللی اختیار داده می‌شود تصمیماتی را اغلب با اکثریت آراء اتخاذ نمایند که برای دولت‌ها الزام‌آور باشد یا طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت اختیار دارد به دولت‌های عضو برای مقابله با تهدیدات راجع به صلح، نقض صلح و اقدامات تجاوزکارانه و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی را در شمار منابع حقوق بین‌الملل ذکر نکرده است. با این وجود دیوان لاهه در موارد متعددی قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد را واجد ارزش حقوقی مسلم دانسته است (۳). چه اینکه میزان نفوذ نهادهای مزبور و یا تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند، غالباً یا با پذیرش دولت‌های مختلف مواجه

شورای امنیت قضاوت نمود. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در این پژوهش مدنظر است، بررسی رفتارهای دوگانه و یا مستقلاً است که در این زمینه صورت گرفته است. بنابراین پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است: عملکرد شورای امنیت در قبال جنگ‌های عراق علیه ایران و کویت چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

### مبانی نظری؛ شورای امنیت و صلح جهانی

برقراری صلح و امنیت جهانی یکی از دغدغه‌های اساسی بشر در طول تاریخ بوده است. بر همین اساس، شکل‌گیری و تأسیس سازمان‌ها، در عصر مدرن پاسخی به چالش‌های اساسی بشر از جمله امنیت بوده است. نهادسازی و ایجاد رویه‌های قانونی و همچنین عمل کردن سازمان‌ها بر مبنای این قوانین، بخش مهمی از کارکرد سازمان‌ها را دربر می‌گیرد. سازمان ملل متحد و نهادهای زیرمجموعه آن از جمله شورای امنیت در زمره نهادهایی هستند که برقراری صلح و امنیت جهانی را هدف اصلی خود تلقی می‌کنند. با این حال، سازمان‌های بین‌المللی از جمله شورای امنیت، هرچند از نظر مقبولیت و فراگیری، دارای وجهه مناسبی در سطح جهان هستند، اما همواره انتقاداتی نسبت به مواضع و عملکرد آنان وجود داشته است. به همین دلیل، بررسی انتقادی دیدگاه‌های موجود در این زمینه می‌تواند راهگشای مناسبی جهت شناسایی سازمان‌های مزبور باشد.

صلح و امنیت بین‌المللی همواره به دلیل بروز اختلافات با تنش‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو بوده است که این امر با شروع استقلال‌طلبی و ایجاد کشورهای جدید در جامعه بین‌المللی بیشتر شد و با بروز و شدت یافتن اختلاف نظرها ممکن بود در صورت عدم یافتن راه‌حل صحیح برای حل اختلافات منجر به بروز جنگ شود. نظر به اینکه یک مرجع بین‌المللی برای حل اختلافات بین کشورها وجود نداشت و اعمال زور نیز برای وادار کردن طرف مقابل به انجام خواسته‌های طرف دیگر در اکثر موارد به لحاظ توازن قوایی که بین دولت‌ها وجود داشت غیرممکن می‌نمود، اکثر کشورها سعی می‌کردند با انعقاد قرارداد دوجانبه اختلاف خود را به

است که کشورها در اختیار شورای امنیت قرار داده‌اند و شورا را چنان امین و مورد اعتماد دانسته‌اند که مطابق بند ۱ ماده ۱۲ منشور در موارد و مواقعی و در هر اختلاف یا وضعیتی که شورای امنیت در این خصوص مشغول فعالیت است کشورها در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهند کرد مگر اینکه خود شورای امنیت چنین تقاضایی داشته باشد.

رسیدگی به نزاع‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به طور مشخص در حیطه اختیارات نهاد شورای امنیت است که با استفاده از اختیارات و ظرفیت‌های خود، طرفین را به سمت صلح و حل مسالمت‌آمیز اختلافات به پیش ببرد. به همین دلیل است که در بند دوم ماده ۹۴ منشور بیان می‌دارد: «هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که برحسب رأی دیوان بر عهده او گذارده شده است تخلف کند، طرف دیگر می‌تواند به شواری امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی نموده یا برای اجرای رأی دیوان تصمیم به اقداماتی بگیرد». علاوه بر آن از طریق اقدامات یک‌جانبه یا راهکارهای مندرج در معاهدات یا موافقتنامه‌ها نیز اجرای حکم دیوان تضمین می‌گردد (۵). همچنین توانایی اتخاذ اقدام تأمینی در بند ۱ ماده ۴۱ اساسنامه دیوان پیش‌بینی شده است که مقرر می‌دارد: «۱. دیوان می‌تواند عندالاجتضاء آن دسته از اقدامات تأمینی که برای حفاظت از حقوق هر یک از طرفین دعوی به صورت موقت لازم می‌داند را به ایشان توصیه نماید. ۲. این اقدامات به محض صدور به اطلاع طرفین و شورا امنیت خواهد رسید». این اقدامات تأمینی می‌تواند در حفظ حقوق طرفین دعوا نقش مهمی ایفا کنند، ولی با این وجود در مورد الزامی بودن آن اختلاف نظرهایی وجود دارد (۶).

در هر صورت آنچه روشن است مسؤلیت بین‌المللی نهادهایی همچون شورای امنیت است که در قبال تجاوزات بین‌المللی و منطقه‌ای وارد عمل می‌شوند که این تعهدات قسمت عمده‌ای از تعهدات یک سازمان را تشکیل می‌دهند که به موجب قواعد آن سازمان برایش ایجاد می‌شود (۷). بر همین اساس، نادیده گرفتن جنگ‌ها و تجاوزات و یا اتخاذ رویکرد نابرابر و ناعادلانه از سوی چنین نهادهایی باعث

می‌شود و یا اینکه بر رفتار و نگرش آنان اثرگذار می‌شود. به‌طورکلی می‌توان گفت که وظایف برخی نهادها از جمله شورای امنیت دارای ماهیت سیاسی است (۴). مسائل سیاسی که مورد توجه نهادهایی مانند سازمان ملل و یا نهاد شورای امنیت قرار دارند، غالباً بر محوریت حمایت از صلح جهانی دنبال می‌شود. اهمیت و هدف اصلی از تشکیل و جایگاه سازمان ملل در جای جای متن منشور نمایان است که البته اجرای آن توسط برخی نهادها از جمله شورای امنیت دنبال می‌گردد. همان‌طور که در مقدمه آن به صراحت آمده است: «ما مردم ملل متحد برای تصمیم به محفوظ نگه داشتن نسل‌های آینده از بلایای جنگ که دوبار در مدت زمان عمر یک انسان افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نموده ...». لذا در مقدمه منشور هدف اصلی تشکیل سازمان ملل حفظ ابناء بشر از درگیر جنگ شدن و مصائب و نابودی ناشی از آن ذکر شده است. همچنین در بند ۱ ماده ۱ منشور به وضوح اهداف و مقاصد سازمان ملل را به شرح زیر ذکر شده است: «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و ...». برای دستیابی به این اهداف مهم بند ۱ ماده ۲۴ منشور مقرر می‌دارد: «به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسؤلیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نماید».

در همین راستا، بند ۲ بیان می‌دارد: «شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند». همچنین مطابق ماده ۳۹ منشور چنانچه شورای امنیت تشخیص دهد که تهدید علیه صلح نقض صلح یا عمل تجاوز صورت گرفته است، می‌تواند اقداماتی را که در ماده ۴۱ و ۴۲ منشور ذکر شده است به اجرا گذارد حتی به موجب ماده ۴۳ منشور شورای امنیت مجاز به استفاده از نیروهای مسلح برای حفظ صلح خواهد بود و در صورت لزوم و به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به اقدام نظامی علیه متجاوز متوسل شود. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی امانتی مهم و گران‌قیمتی

اینکه دوگانگی در مواضع نهاد شورای امنیت را برای دولت‌های مستقل روشن سازد.

### عملکرد شورای امنیت در قبال جنگ عراق علیه ایران و کویت

منطقه خلیج فارس به دلیل وجود منابع نفتی، حکومت‌های اقتدارگرا، نزاع دیرینه شیعی و سنی و همچنین وجود قوم‌ها، مذاهب و اقلیت‌های مختلف، مسائل ارضی و مرزی، محل نزاع و درگیری‌های مختلفی بوده است. از جمله می‌توان دهه ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ ش. اشاره کرد که محل خصومت‌ها و جنگ‌های متعددی بوده است. مهم‌ترین عنصر این جنگ‌ها، دولت عراق به رهبری صدام حسین بوده است که آغازگر جنگ‌های طولانی و خونینی در منطقه شده است.

جنگ عراق علیه ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و با حملات موشکی عراق علیه ایران آغاز شد به مدت هشت سال به طول انجامید. در این جنگ خسارت‌های جانی و مالی بسیاری بر دو کشور وارد شد که آثار آن تا به امروز نیز قابل مشاهده است. جنگ عراق علیه کویت در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ و پس از اتمام جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد. در این جنگ نیز عراق به واسطه شکست در جنگ با ایران به منابع نفتی و غذایی کویت حمله کرد و خسارت‌های سنگینی بر این کشور وارد ساخت. بررسی اسناد و شواهد تاریخی حاکی از تفاوت مواضع، تصمیمات و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در قبال جنگ عراق علیه ایران و علیه کویت است که در قالب قطعنامه علیه کشورهای درگیر جنگ صادر می‌شد.

### عملکرد شورای امنیت از منظر شناسایی متجاوز

شرح جنگ عراق علیه ایران و همچنین بررسی ابعاد و زوایای آن نیازمند بررسی‌های مفصلی است که به طور مختصر به برخی از موارد مرتبط با تصمیمات و مواضع شورای امنیت پرداخته می‌شود. با این حال، بررسی و موشکافی جنگ و مواضع شورای امنیت سازمان ملل نشانگر آن است که روند شناسایی متجاوز و سپس محکوم کردن آن، تحت تأثیر مواضع

انتقادات گسترده‌ای از سوی کشورهای مختلف می‌شود. به علاوه ممکن است برخی قدرت‌های بانفوذ به واسطه وجود برخی قوانین و همچنین تکیه بر توان نظامی و امنیتی خود، مسیر تصمیم‌گیری نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت را به نفع خود تغییر دهند.

همچنین در نقد عملکرد نهادهایی مانند شورای امنیت چنین بیان شده است که بهره‌گیری غرب از شورای امنیت، بخشی از برنامه آن برای اعمال سلطه جهانی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی است. در این حال، جنگ سال ۲۰۰۳ در عراق ممکن است به عنوان نمونه‌ای از بهره‌گیری از حقوق بشر برای مشروع جلوه دادن توسعه‌طلبی سیاسی [غرب] در نظر گرفته شود (۸). که مقدمه‌چینی و فراهم کردن شرایط آن، توسط شورای امنیت انجام شده است. بنابراین تردیدها و انتقادات درباره کارکرد شورای امنیت مورد توجه بسیاری از دولت‌های مختلف نیز واقع شده است. این مسأله مخصوصاً درباره مسأله حق وتو و ناتوانی کشورهای در حال توسعه برای نفوذ در موضوعات و مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای مشهود است. بدین ترتیب در زمینه سازمان‌های فراملیتی، همچنان شاهد هستیم که این سازمان‌ها زمانی که منافع ملی و مسائل سیاسی یک کشور در میان باشد، رنگ می‌بازند. برای مثال، کارکرد شورای امنیت سازمان ملل - که بزرگ‌ترین و معتبرترین سازمان فراملی است - حاکی از آن است که این سازمان عملاً بازیچه کشورهای قدرتمند است و این کشورها برای منافع خود از آن استفاده می‌کنند و خود این سازمان فراملی هیچ نوع اختیاری ندارد. هر زمان که در این سازمان از منافع ملی کشورها سخن به میان می‌آید، کشورها براساس آن تصمیم می‌گیرند. برای نمونه، حمله آمریکا به عراق و افغانستان بدون توجه به موافقت شورای امنیت نمونه‌ای از تصمیم‌گیری کشورها براساس منافع ملی است (۹). به نظر می‌رسد با توجه به مسائل مطروحه، بررسی نقش و کارکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال جنگ‌های عراق علیه ایران و کویت به خوبی بتواند ماهیت این نهاد را در بوته نقد بگذارد. رویکردی که هم می‌تواند جایگاه نهادهای بین‌المللی در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را روشن سازد و هم

خودداری کند. شورا به صراحت در بند ۳ این قطعنامه به طور ضمنی از عراق حمایت کرده بود که مورد اعتراض جدی ایران قرار گرفت و به طور رسمی از ریاست اردن بر شورای امنیت که به طور رسمی و علنی از رژیم متجاوز عراق حمایت می‌کرد، اعتراض کرد (۱۱).

در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۲ شورای امنیت با عجله یعنی در آخرین روز ریاست اردن بر شورا که از اولین و مهم‌ترین همراهان عراق محسوب شد و با حمایت فرانسه یکی از اعضای دائمی شورا و از هم پیمانان اصلی عراق، قطعنامه ۵۴۰ را تصویب نمود. پاکستان، مالت و نیکاراگوئه به این قطعنامه رای ممتنع دادند و از اینکه وقت کافی در اختیار ایران برای دفاع قرار داده نشده بود و با تعجیل فراوان قطعنامه تصویب شده بود، عمیقاً اظهار تأسف کردند (۱۱). در چند بند از این قطعنامه از دبیرکل می‌خواست تمام تلاش خود را در جهت اتمام تخاصم موجود مصروف دارد و در بند ۲ موارد نقض حقوق بشردوستانه و به خصوص احکام کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ را در همه زمینه‌ها محکوم و خواستار توقف فوری همه حملات نظامی علیه اهداف غیرنظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی شد.

### قطعنامه‌های صادر شده شورای امنیت در دو جنگ

شورای امنیت در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق یعنی از ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰ تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ جمعاً ۹ قطعنامه صادر کرد یعنی به طور متوسط سالی یک قطعنامه (این تعداد به صورت معدل‌گیری ذکر شده است، برای مثال فاصله بین قطعنامه ۴۷۹ تا ۵۱۴ در خصوص جنگ ایران و عراق حدود دو سال می‌گذرد، اما در مورد جنگ عراق و کویت مواردی یافت می‌شود که هر روز یک قطعنامه صادر شده است (قطعنامه‌های ۶۶۱ و ۶۶۲) و در این قطعنامه به هیچ وجه عمل تجاوز را احراز نکرد و به جای اعلام نقض صلح و وقوع جنگ بین دو کشور از اصطلاح «وضعیت» استفاده می‌کرد، اما در مورد جنگ ۷ ماهه عراق و کویت ۱۲ قطعنامه صادر کرد؛ یعنی به‌طور متوسط هر ماه دو قطعنامه تصویب شده است.

علاوه بر این، در قطعنامه‌های شورای امنیت در جنگ ایران و عراق به مواد ۲، ۲۴، ۳۹ و ۴۰ و بدون استناد به فصل

ضد و نقیض شورای امنیت و تصمیمات طولانی آن قرار گرفته بود. شواهد متعددی نشانگر آن بوده که به طور واضح و روشن عراق آغازگر جنگ بود و این به معنای نقض آشکار صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شد. بنابراین شورای امنیت به‌عنوان ابزار اجرایی سازمان ملل متحد به حکم و تجویز منشور سازمان ملل ملزم و موظف بود که سریعاً در آن دخالت کرده و به استفاده از زور توسط دولت متجاوز پایان دهد. علی‌رغم اهمیت و گستردگی این جنگ ستمگرانه موضع شورای امنیت تا سال ۱۹۸۷ یعنی به مدت هفت سال پس از آغاز جنگ در قبال آن کند، سست و توأم با اهمال و تردید و دودلی بود تصمیماتش در آن دوره مبهم، غامض، پیچیده، جزئی و منفعل صورت می‌گرفت. شورای امنیت فقط در اواخر جنگ یعنی بین سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ نقش فعال‌تری بازی کرد و بسیار دیر هنگام و پس از رنج‌های بشری سنگین و خسارت‌های مادی عظیم اقداماتی را جهت پایان دادن به آن اتخاذ نمود (۱۰). (الکواری، ۱۳۸۷: ۲۸۰).

با این حال برخی شواهد تاریخی نشانگر دوگانگی و تعارض در مواضع شورای امنیت در قبال جنگ‌های عراق علیه ایران و کویت هستیم. به عنوان مثال، پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات بیت‌المقدس به تاریخ ۳ خردادماه ۱۳۶۱ و آزادسازی خرمشهر شورای امنیت در یک جلسه ۳۵ دقیقه‌ای قطعنامه ۵۱۴ را در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ یعنی دو سال بعد از صدور قطعنامه اول تصویب نمود. این قطعنامه کمی از قطعنامه ۴۷۹ بهتر می‌نمود؛ زیرا در آن خواستار آتش‌بس فوری و اتمام عملیات نظامی شده بود و اعلام کرده بود که نیروهای نظامی به مرزهای شناخته شده بین‌المللی برگردند، اما از احراز تجاوز و تعیین متجاوز خودداری کرده بود. شورا پس از گذشت دو ماه در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۲ قطعنامه ۵۲۲ را تصویب کرد. این قطعنامه تأکیدی بر قطعنامه قبلی ۵۱۴ می‌باشد که بر اثر آن، ایران در موضع‌گیری رسمی خود بی‌طرفی سازمان ملل را زیر سؤال برده و از شورا می‌خواهد که با در نظر گرفتن اصول حقوق بین‌الملل و حفظ عدالت و جلوگیری از نفوذ امپریالیسم از تصویب قطعنامه‌های بیهوده‌ای مانند ۴۷۹، ۵۱۴ و ۵۲۲ که آشکارا مغایر با متن و روح منشور ملل متحد می‌باشد،

هفتم منشور ملل اشاره شده است، اما در قطعنامه‌های صادره جنگ عراق و کویت به مواد ۲، ۲۵، ۳۹، ۴۰، ۴۸، ۵۰، ۵۱ و ۱۰۲ اشاره و در ۸ قطعنامه ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۷۸ مجموعاً ۹ بار فصل هفتم منشور ملل متحد مورد استناد قرار گرفته است و در نهایت نیروهای نظامی را علیه عراق بسیج نمود و جنگ افزارهای فراوانی را جهت عقب نشینی و تنبیه صدام به منطقه گسیل نمود. این موارد تفاوت فاحش کمی و کیفی قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت در خصوص دو جنگ را نشان می‌دهد. این در حالی است که شدت و گستردگی جنگ عراق علیه ایران بسیار بیشتر از جنگ عراق علیه کویت بوده است.

شورای امنیت زمانی در قطعنامه‌های صادره خود به فصل هفتم استناد می‌کند که تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز نماید. این وظیفه شورای امنیت نیز از یک جهت نشانگر ضعف این نهاد در برقراری صلح بوده است. استدلال این است که در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران با آن گستردگی و فجایع و قتل و غارت صورت گرفته و اشغال بخش وسیعی از خاک ایران با صدها هزار کشته، زخمی و مجروح اعم از افراد نظامی و غیر نظامی، تخریب مناطق وسیعی از ایران، آوارگی میلیون‌ها نفر از اشخاص غیرنظامی و نقض مکرر کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و استفاده مکرر عراق از تسلیحات شیمیایی و ممنوعه و نقض پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و صدها و هزار عمل ضد حقوق بشردوستانه بین‌المللی (۱۲)، شورای امنیت در این جنگ طولانی خانمان سوز به هیچ وجه احساس نمود که تهدیدی علیه صلح یا نقض صلحی صورت گرفته و حتی تجاوز گسترده عراق را احراز ننمود، اما در جنگ عراق علیه کویت که از هیچ منظری چه مدت زمان جنگ، چه شدت حمله و تجاوز و اقدامات ضد حقوق بشردوستانه صورت گرفته با جنگ علیه ایران قابل مقایسه نیست، شورا تهدید علیه صلح، نقض صلح و حتی تجاوز را احراز نمود و ۹ بار به فصل هفتم منشور استناد نمود.

شورای امنیت در قطعنامه‌های صادره در خصوص جنگ ایران و عراق مهم‌ترین کاری که انجام داده‌است اظهارنگرانی است و این مسأله در تعارض با عمل‌گرایی نهاد مدعی صلح و

امنیت جهانی قرار دارد که بدون شناسایی متجاوز و تنها با صدور قطعنامه و اظهار نگرانی به مدیریت نزاع‌های بین‌المللی بپردازد. برای مثال در قطعنامه‌های ۴۹۷ و ۵۲۲ و ۵۸۲ و ۵۹۸ نگرانی عمیق خود را از گسترش افزایش و تشدید برخورد و وضعیت (بدون به کار بردن لفظ جنگ و تجاوز) میان ایران و عراق ابراز می‌دارد. همچنین در قطعنامه‌های ۵۱۴ و ۵۲۲ و ۵۸۲ و ۵۸۸ و ۵۹۸ از طولانی شدن برخورد (بدون به کار بردن جنگ و تجاوز) میان دو کشور ابراز نگرانی عمیق یا اظهار تاسف نموده است. علاوه بر این، شورای امنیت در قطعنامه‌های صادره خود در مورد جنگ ایران و عراق بدون تعیین تجاوز فقط خواستار عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی شده است،<sup>۱</sup> بدون در نظر گرفتن حالت جنگی و مخاصمه مسلحانه بین‌المللی صورت پذیرفته بین دو کشور با آن گستردگی و دهشتناکی. گویی که یک نزاع لفظی بین دو کشور ایران و عراق صورت پذیرفته در قطعنامه‌های خود مکرراً از طرفین می‌خواهد که این نزاع را با میانجی‌گری و یا هر وسیله دیگری از روش‌های حل مسالمت‌آمیز منازعات حل و فصل نمایند.<sup>۲</sup>

علاوه بر این، شورای امنیت با چشم‌پوشی از شدت درگیری و مخاصمه مسلحانه گسترده‌ای که بین ایران و عراق رخ داده بود و با اغماض از این وظیفه خود که می‌بایست در چنین شرایطی مطابق ماده ۴۱ منشور ملل متحد علیه متجاوز اقدام به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و محدودیت ارتباطات و محاصره زمینی، هوایی و دریایی نماید و یا از کشورها بخواهد که در این مسیر حرکت نمایند، از کشورها می‌خواهد که در خصوص جنگ ایران و عراق خویشتن‌داری نمایند بدون اینکه متجاوز را محکوم نمایند.<sup>۳</sup> این در حالی است که در

۱. بند ۲ قطعنامه ۵۱۴، بند ۲ قطعنامه ۵۴۰، بند ۳ قطعنامه ۵۸۳ و بند قطعنامه ۵۹۸.

۲. بند ۱ و ۲ قطعنامه ۴۷۹، بند ۴ قطعنامه ۵۱۴، بند ۵ قطعنامه ۵۲۲، بند ۱ قطعنامه ۵۴۰، بند ۵ قطعنامه ۵۸۳ و بند ۴ قطعنامه ۵۹۸.

۳. بند ۳ قطعنامه ۴۷۹، بند ۵ قطعنامه ۵۱۴، بند ۶ قطعنامه ۵۲۲، بند ۶ قطعنامه ۵۴۰، بند ۳ قطعنامه ۵۵۲، بند ۷ قطعنامه ۵۸۳ و بند ۵ قطعنامه ۵۹۸.



در نهایت هم با تشکیل یک نهاد کامل و جامع به‌عنوان کمیسیون پرداخت غرامت، تمام خسارات کویت و کشورهای متضرر از تجاوز عراق به کویت و حتی هزینه‌های نظامی کشورهای ائتلاف که در جنگ شرکت داشتند را از منبع نفتی عراق اخذ و پرداخت نمود. این در حالی است که حتی در قطعنامه ۵۹۸ نیز پرداخت خسارات ایران مسکوت مانده است و با گذشت سی سال از پایان جنگ هنوز خسارتی به ایران پرداخت نشده است.

بחי که ایران طول سالیان جنگ در مراجع و سازمان‌های بین‌المللی و از جمله شورای امنیت تأکید فراوان بر آن داشت مسئله تعیین متجاوز بود و به همین دلیل که در هیچ از قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت به تعیین متجاوز نپرداخته بود، ایران از قبول آنها خودداری می‌کرد؛ زیرا یکی از وظایف شورای امنیت سازمان ملل احراز تجاوز و تعیین متجاوز است. دبیرکل سازمان ملل متحد، خاویر پرزردکونیار، چهار سال پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ و دو سال پس از حمله عراق به کویت در راستای اجرای بند ۶ قطعنامه با نامه‌نگاری به کشور ایران و عراق و تقاضای ادله دو کشور برای تعیین آغازگر جنگ با مشاوره با حقوق‌دانان بی‌طرف و در هفته‌های آخر پایان مأموریت خود در سازمان ملل در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ عراق را آغازگر جنگ و متجاوز اعلام کرد، نتیجه مستقیم تعیین متجاوز در حقوق بین‌الملل ایجاد مسؤولیت بین‌المللی برای متجاوز و متعاقب آن پرداخت خسارات و غرامت از سوی متجاوز به کشور مورد تجاوز قرار گرفته خواهد بود. متعاقب مذاکرات متوالی ایران با دبیرکل سازمان ملل جهت اجرایی نمودن بند هفتم قطعنامه ۵۹۸ دبیرکل گروهی را به سرپرستی معاون خود آقای عبدالرحیم ابی فرح را به سال ۱۹۹۱ به ایران فرستاد. گروه مذکور در مرحله اول با بررسی دقیق مسائل مربوط به جنگ و تجاوز عراق و با سفر به مناطق مختلف ایران، تحقیقات مفصلی در این خصوص انجام دادند و گزارش خسارات وارده بر ایران را نود و هفت میلیارد و دویست میلیون دلار اعلام کردند. گروه مذکور برای بار دوم به ایران مسافرت نمود و با رفت و آمدهای متعدد و بررسی مسائل مربوطه و گزارشات و تحقیقات قبلی، گزارش خود را با

خصوص جنگ عراق و کویت شورای امنیت در قطعنامه‌های صادره ۹ بار به فصل هفتم منشور ملل متحد استناد کرده است. نتیجه اینکه شورای امنیت با استناد به فصل هفتم منشور، عراق را متجاوز اعلام کرد و همواره با درخواست‌های مکرر خود عقب‌نشینی بدون قید و شرط عراق از خاک کویت را خواستار شد و اقدامات موقتی و سپس قطعی و قهری در مورد عراق جهت استقرار صلح و دفع تجاوز آن کشور را توسط تعدادی از اعضای سازمان ملل به مرحله اجرا گذاشت. شورای امنیت در قطعنامه‌های صادره در خصوص جنگ عراق و کویت نه‌تنها از کشورها نخواست که خویشتنداری نمایند، بلکه کشورها را ملزم نموده است که اقدامات پیشنهادی شورا را به سرعت و دقت به اجرا گذارند. مهم‌ترین تقاضاهای شورای امنیت از کشورها عبارتند از:

- رعایت تحریم‌های سیاسی، اقتصادی، مالی، زمینی، دریایی و هوایی عراق (تقریباً تمام قطعنامه‌ها)
- ارائه اطلاعات مورد نیاز شورای امنیت از سوی کشورها برای اتخاذ تدابیر لازم توسط شورا (قطعنامه ۶۶۱).
- عدم شناسایی الحاق و انضمام کویت به عراق توسط کشورها (قطعنامه ۶۲۲).
- اعزام نیروی دریایی و هوایی توسط کشورهای ائتلاف به منطقه خلیج فارس (قطعنامه ۶۶۵).
- لغو قراردادهای و لغو امتیازات و پروانه‌های صادره برای عراق (قطعنامه ۶۷۰).
- ارائه اطلاعات لازم در برآورد خسارات و زیان‌هایی که در جریان منازعه و بحران موجود و جنگ به کشورشان وارد آمده است (قطعنامه ۶۷۴).
- همچنین شورای امنیت در بند ۱۲ قطعنامه ۶۷۰ کشورها را ملزم کرده بود که به منظور وادار کردن عراق به ترک خاک کویت دولت‌های عضو با دولت کویت همکاری نمایند تا بتوانند از تمام وسایل ممکن استفاده نمایند و تهدید کرده بود در صورت تخلف دولت و یا اتباعش یا از طریق خاک آن کشور نسبت به مقررات قطعنامه ۶۶۱ مصوب سال ۱۹۹۰ تخلفی صورت پذیرد تدابیری را به منظور جلوگیری از تکرار چنین تخلفاتی در نظر گیرد (۱۳).

## نتیجه‌گیری

نادیده گرفتن تجاوز آشکار عراق علیه ایران یکی از انتقادات اساسی وارده بر شورای امنیت سازمان ملل بود که در طی مدت ۸ سال جنگ در قالب قطعنامه‌های مختلف و با دسیسه‌های مختلف دنبال می‌شد. این رویکرد تا پایان جنگ و با متخاصم شناخته عراق ادامه پیدا کرد. به نظر می‌رسد این رویه همچنان به عنوان یکی از انتقادات اساسی بر علیه شورای امنیت قابل طرح است. بر مبنای تحلیل حاضر، دوگانگی در تصمیمات شورای امنیت یکی از دلایل بدبینی کشورهای مختلف از جمله ایران نسبت به این نهاد بین‌المللی بوده است. همچنین در خصوص مسؤولین جبران‌کننده خسارات جنگ ایران و عراق دیدگاه جدیدی مطرح شده است و آن اثبات مسؤولیت ویژه شورای امنیت و کشورهای حامی عراق به عنوان ناقضین بی‌طرفی در جنگ بین دو کشور می‌باشد. ضمن اینکه تفاوت‌های قابل توجه در شناسایی و محکوم کردن عراق و سپس دریافت خسارت از آن در جنگ‌های انجام شده علیه ایران و کویت نشانگر تعارض در رفتارهای این نهاد بین‌المللی است. از آنجا که طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد وظیفه اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عهده شورای امنیت سازمان ملل قرار داده شده است و متأسفانه در عین گستردگی و نقض صلحی که توسط عراق صورت گرفته بود شورای امنیت با صدور قطعنامه‌های بسیار ضعیف به وظیفه ذاتی خود عمل نکرد و موجب گستاخ شدن صدام و تداوم جنگ شده بود. ضمن اینکه گرفتن خسارت از عراق و تحویل آن به کویت که در مقایسه با جنگ علیه ایران بسیار ناچیز می‌نمود، به عنوان جلوه آشکار بی‌عدالتی توسط این نهاد در نظر گرفته شده است. همچنین کشورهای حامی عراق از جمله کشورهایی که دارای حق وتو در شورای امنیت بوده‌اند، با نقض اصول بی‌طرفی که از مباحث مهم حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، رژیم بعث عراق را در ارتکاب جنایات و تجاوزاتش یاری کردند. بنابراین نهاد شورای امنیت و کشورهای حامی عراق مسؤولیت جبران خسارات جنگ ایران و عراق را بر عهده دارند که همچنان در بُعد دریافت خسارت نیز ناکام عمل نموده است.

شماره S/۳۶۸۲۲ به دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه کردند. دبیر کل نیز در گزارش صد و نود و یک صفحه‌ای خود به شورای امنیت به تاریخ بیست و چهارم دسامبر ۱۹۹۱ براساس گزارش هیئت مذکور خسارات مستقیم ایران را ۹۹ میلیارد دلار و خسارات غیرمستقیم ایران را ۱۵۰ میلیارد دلار و مجموع خسارات وارده به ایران را ۲۴۹ میلیارد دلار اعلام کرد (۱۳). در مرحله پرداخت خسارت نیز عملکرد دو گانه شورای امنیت نیز دیده می‌شود. خسارتی که هنوز برای ایران واریز نشده است.

رویکردهای ایران نسبت به شورای امنیت سازمان ملل در قبال جنگ عراق علیه ایران همواره از منظر انتقادی دنبال می‌شد. زیرا سکوت این نهاد بین‌المللی در قبال شناسایی متجاوز و مجازات آن، کاملاً شبیه برانگیز بوده است. بر همین اساس، نماینده ایران در سازمان ملل در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۸۰ م. نیز مواضع ایران را به روشنی بیان نمود. به همین دلیل در سازمان ملل، نقطه نظرات ایران چنین بیان شد که عراق مهاجم است و دست به تجاوزی آشکار زده است و باید به‌عنوان نقض صلح و امنیت بین‌المللی محکوم شود، سپس به شورای امنیت توصیه کرد که با حفظ بی‌طرفی و اجرای عدالت موضع مناسب اتخاذ کند، زیرا آنچه که در معرض خطر است فقط حفظ اراضی ایران نیست، بلکه حفظ سلامت سازمان ملل متحد است، زیرا نباید در برابر تجاوز و تهاجم سکوت کرد یا بی‌طرف بود و این درست نیست که با متجاوز و قربانی به یک صورت برخورد کرد.<sup>۴</sup> بنابراین اتخاذ راهکاری برای رهایی نهاد شورای امنیت از دوگانگی و تصمیمات متعارض بخش مهمی از فرایند رسیدگی به منازعات خلیج فارس است که البته بخش‌های مهمی از جمله پرداخت خسارت از عراق به عنوان کشور مهاجم انجام نشده است. حال این سیاست یک بام دو هوای شورای امنیت، غمض عین‌های فراوان، عدم انجام وظایف و تعهداتش به موجب منشور در قبال جنگ عراق علیه ایران و تلاش و کوشش فراوان و جوشش‌های بی‌درنگ و پرننگ و اقدامات قاهرانه سریع و محکم در خصوص جنگ عراق و کویت چگونه باید تعبیر و تفسیر و توجیه گردد.

---

**References**

1. Majdi nasab. A.A. History of International Settlement. Journal of Judicial Justice. 1 (18); pp. 75-111.
2. Heywood. A. Politics. Trans by Alam. A. Tehran: Publisher Ney; 2010.
3. Mosazadeh. R. General International Law. Tehran: Publisher Office of Political and International Studies. 1999.
4. Mirzaie Yangajeh. S. The Hague Tribunal in Nicaraguas Lawsuit against the United States. Foreign Policy Journal. 1987: 1 (4); pp. 807-828.
5. Najafi Asfad. Hadi. M. Guarantee the implementation of the International Court of Justice. Mofid Journal. 2005: 11 (52); pp. 25-48.
6. Safaie. H. Dadres. P. The binding or non-binding nature of precautionary measures issued by the International Court of Justice. 2013: 4 (5); pp. 141-161.
7. Abedini. A. Rozegari. Kh. Liability law of international organizations. Tehran: Publisher Khorsandi; 2015.
8. Bernel. P. Randal. V. Third World Issues Political in the Developing world. Translated by: Saie. A. Mirtorabi. S. Tehran: Publisher Ghomes; 2010.
9. Hafeznia. M. R. Janparvar. M. Mojtahedzadeh. P. The impact of Globalization on the nature of Borders. Journal Quarterly of Space Planning. 2010: 14 (3); pp. 37-55.
10. Alkavari. H.A. The performance of the Security Council in the Iraq-Iran War. Tehran: Publisher Sarir; 2008.
11. Masoudi. H.A. Khanbeigi. S. A Study of the Iraq-iran war from a Sociological perspective. Holy Defense Documentation and Research Center. 2010: 8 (32); pp. 17-36.
12. Zamani. Q. International law on the use of Chemical Weapons in the imposed war of Iraq against the Islamic Republic of Iran. Tehran: Foundation for the Preservation of Relics and the Publication of the Values of Sacred Defense Publisher; 1997.
13. Shirodi. M. Two Wars of two arbitrations (review of the UN Strategy in the two wars of Iran, Iraq and the Persian Gulf). Tehran: Religion thought and Culture Publisher; 2001.